

متن پرسش

با سلام. استاد گرانمایه، مدتی است دچار تشویش ذهن شده‌ام. من همیشه سعیم بر آن بود که دانسته‌هایم در حیطه دین را عملی کنم بیشترین اهمیت را به حرفهای پیامبر و ائمه میدهم و از بین نظرات صاحبان نظران مختلف نظرات معصومین را بر همه ارجح میدانم خب کاملاً مشخص هست که در حد فهم و درک خودم این کار می‌کنم. مثلاً برداشتم از آیات قرآن رو سعی میکنم عملی کنم و معلومه به باطن آیات که اشراف ندارم. داشتم زندگیمو میکردم و سعی میکردم محرماتو ترک کنم و واجباتو انجام بدم تا این که یک نفر در زندگیم پیدا شد که سیستم مغزمو پاک بهم ریخته. البته عقاید من از بین نرفته اما اون فرد معتقد به این منش تعبدیه و انسان با این رویکرد هیچ چیز از خدا نمی‌فهمه و این عرفان و عشقه که اهمیت داره و با این رویکرد تعبدی به جایی نمیرسی و... ببینید مثلاً من اینجوریم که اگه بکسی در زندگیم بیش از خدا اهمیت بدم عمیقاً ناراحت میشم و واقعا دوست دارم هرچی خدا می‌گه رو عمل کنم. اما ایشون می‌گه با سکوت و عرفان به درکهای عمیقی از زندگی رسیده. می‌گه خیلی از احادیث باید به روز بشه و به درد این دوره نمی‌خوره. من دیدگاهم اینه که احادیث رو میشه به روز "تفسیر" کرد نه اینکه چون زمانه عوض شده دورشون ریخت. خب خیلی ادعای ارادت به پیامبر رومیکنه و ایشون رو حائز مقام بی‌مقامی میدونه کسی که از مه انبیا بالاتره و ... اما روایات مربوط به پیغمبر رو به جور دیگه ای تفسیر میکنه. حقیقتاً ایشون در خیلی از حالات روحانی به جاهایی رسیدن اما به جوهری کاملاً در قید و بند دین نیست. حجاب و این جور احکامو واجب نمیدونه. معتقد به باید به تاویل قرآن عمل کرد نه به شکل ظاهری آیات. استاد گرامی، سوال من این است که من همین رو از دین میدانم و تا جایی که میشه به همون عمل می‌کنم آخر من چطور بتوانم به آن حالات عرفانی دست یابم وقتی که دین مجموعه ای از دستورالعملها را به ما می‌دهد که شاید بیشتر نتایجش را هم در آن دنیا ببینیم. من از قرآن این را می‌فهمم که مثلاً حجاب واجب است آخر تاویلش را که نمیتوانم بروم از امام زمان بپرسم. تکلیف چیست؟ آیا دیدگاه ما تعبدی است؟ اصلاً مگر تعبد بد است؟ ایشان خوب بحث میکنند اما من از بس که در دو وادی مختلف هستیم خیلی حوصله بحث با ایشان را ندارم اما خب دیدگاهشان را تحلیل می‌کنم و خیلی وقتها بهشون میگم: بهر حال درستی و نادرستی دیدگاههای ما در آن دنیا برای همدیگر مشخص خواهد شد ولی ایشان می‌گویند آن دنیا به این شکلی که شما فکر میکنید نیست و اینطور نیست که به درستی و نادرستی عقیده دیگری در آنجا بتوان پی برد و... بهر حال با خودم فکر میکنم شاید دیدار با این فرد فرصتی باشد که دیدگاههایم را تعمیق کنم، شاید هم این فرد نشانهایی است برای تصحیح عقاید من و چون نمیدانم خدا چرا این فرد را

سر راهم گذارده گیچم که در این میان چه چیز درست و چه نادرست است. لطفا کمک کنید. سربلند باشید و برای ما هم دعا کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام در ابتدا پیشنهاد می‌کنم جواب کد: ۱۲۴۱ را مطالعه کنید. ثانیاً: مطمئن باشید رعایت دستورات شریعت الهی چون مطابق فطرت انسان است و همان خدایی که فطرت را در انسان‌ها گذارده شریعت را برای انسان‌ها آورده، پس اگر مطابق شریعت الهی عمل کنیم مطابق عمیق‌ترین لایه‌ی وجود خود عمل کرده‌ایم و در فردای قیامت که ظاهر دنیا عقب می‌رود و باطن همه چیز آشکار می‌شود، کسانی در عالی‌ترین شرایط قرار دارند که مطابق شریعت الهی عمل کرده باشند، همان شریعتی که فقهای بزرگ آداب آن را از درون آیات و روایات استنباط کرده‌اند و اظهار نموده‌اند، همان شریعتی که عرفای بزرگ بیشتر از همه مقید به رعایت آن هستند. ثالثاً: خوب است که انسان به عقاید خود نگاه عرفانی داشته باشد ولی آن نگاهی که علمای بزرگی مثل حضرت امام «رضوان‌الله‌علیه» داشتند. رابعاً: ما در تمام مراحل زندگی در حال امتحان هستیم در روبه‌رو شدن با فرد مذکور نیز باید طوری امتحان بدهید که شیطان تقید و تعبد شما را نریاید. قبلاً در جواب‌هایی که به عزیزان داده ام عرض شده، هر سخنی که تعبد ما را از ما بگیرد سخن شیطانی است هرچند در قالب عرفان گفته شود و مسلم راه ما را در مسیر رجوع‌إلی‌الله می‌بندد و به بهانه‌ی سکوت ما را گرفتار ناکجا آبادها می‌کند. موفق باشید